

بررسی رابطه هوش هیجانی با رضایت زناشویی در معلمان دوره ابتدایی شهرستان
فریدونکنار

سید موسی طباطبایی

عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور

s.mosatabatabaee@semnan.ac.ir

امیرحسین فیروزمندی

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته ی روانشناسی تربیتی دانشگاه پیام نور سمنان

Amirhossein.firoozmandi@gmail.com

چکیده

در پژوهش حاضر رابطه هوش هیجانی با رضایت زناشویی در معلمان دوره ابتدایی با جامعه آماری شهرستان فریدونکنار مورد بررسی قرار گرفت. نمونه آماری بر اساس 80 نفر مشخص شده و داده‌های بدست آمده از دو پرسشنامه هوش هیجانی برادبری و گریوز و پرسشنامه رضایت زناشویی اتریچ جمع آوری گردید. به منظور بررسی فرضیات و مدل پژوهش از نرم افزار SPSS22 کمک گرفته شده است. این نتایج نشان داده است که: بین هوش هیجانی با رضایت زناشویی همبستگی مستقیم و معنی دار وجود دارد؛ بین جنسیت و هوش هیجانی تفاوت معنی دار وجود دارد به عبارت دیگر مردان به مراتب هوش هیجانی بیشتری نسبت به زنان دارند. همچنین این نتایج نشان داده است که تفاوت معنی داری بین جنسیت و رضایت زناشویی مشاهده نشده است. در نهایت با توجه به تحقیق حاضر می شود نتیجه گرفت که با آموزش و رشد هوش هیجانی میتوان شرایط هر چه بیشتر رضایت زناشویی را فراهم کرد.

کلمات کلیدی: رضایت زناشویی، هوش هیجانی، معلم

مقدمه

خانواده یکی از رکن های اصلی جامعه به شمار می رود. دستیابی به جامعه سالم آشکارا در گرو سلامت خانواده است و تحقق خانواده سالم مشروط به برخورداری افراد آن از داشتن رابطه های مطلوب با یکدیگر است. در چنین نظامی افراد با علائق و دل بستگی های عاطفی نیرومند دیرپا و متقابل به یکدیگر پیوسته اند. این دل بستگی ها اگر چه شاید شدت و وحدت شان در طی زمان کاسته شود. اما در سراسر زندگی خانوادگی پاینده خواهند بود. (گلدنبرگ¹ و گلدنبرگ، 1396).

معمولا رفتارهای فردی موجب شکل گیری قواعد مرادفات در بین زوجین می شود بنابراین پذیرش سلیقه ها و رفتار همسر و یا به عبارتی دیگر، بروز رفتارهای مقبول از سوی همسر می تواند روابط دوتایی را شکل دهد و زمینه را برای برقراری تفاهم در بین زوجین ایجاد کند و در واقع می توان گفت رضایت زناشویی یک ارزیابی کلی از وضع فعلی ارتباط ارائه می دهد.

شواهد فراوانی نشان می دهند که زوج ها در جوامع امروزی برای برقراری و حفظ روابط صمیمی و درک احساسات از جانب همسرشان به مشکلات فراگیر و متعددی دچارند. بدیهی است کمبودهای موجود در کفایت های عاطفی و هیجانی همسران در کنار عوامل متعدد دیگر اثرات نامطلوبی را بر زندگی مشترک آنها میگذارد. نتایج تحقیقات نیز حاکی از آن است که کمبودهای عاطفی، توان تحمل تنیدگی و حل مشکلات روزانه را افزایش می دهد و این مهارت های شخصی می تواند فرد را در مقابله با فشارهای ناگهانی محیطی، موفق سازد. نتایج تحقیقات زیادی نشان میدهد که افرادی که نمرات بیشتری در توانایی خودمهارگری و تنظیم هیجانان خود دارند حتی قادرند در موقعیتهای دشوار نیز در تعامل با افرادی که با آن ها در ارتباطند، با موفقیت عمل نمایند و ایشان را راضی نگه دارند و جو را آرام نمایند. که این توانایی مستلزم داشتن هوش هیجانی بالا می باشد به طوری که فرد بتواند در مواقع حساس تصمیمی صحیح و عاقلانه اتخاذ نماید (مهانیان خامنه و همکاران، 1385، ص 310).

همچنین همانطور که میدانیم بین تعارض و مشکلات در محیط کار با مشکلات در محیط خانه همبستگی مثبت وجود دارد (گرین هاوس، 1988). به عبارت دیگر افزایش رضایت زناشویی به گونه ای معنی دار با افزایش رضایت شغلی همراه است (زاجرز، 2003). که این خود میتواند به کارایی بهتر و موثرتر کارکنان سازمانها در هر رده بالاخص در سازمانهای آموزشی بیانجامد. همچنین در تحقیقی دیگر درباره هوش هیجانی و روابط بین فردی انجام شد دریافتند که افراد با هوش هیجانی بالا، نمرات بیشتری در همدلی، خودبازبینی، و خودکنترلی در موقعیت های اجتماعی کسب کردند، این افراد پاسخ های همراه با مشارکت بیشتر داشته اند. همچنین روابط نزدیکتر و محبت آمیزتر از خود نشان داده اند و همچنین در ایجاد و حفظ روابط کیفی بالا مهارت دارند (نقل از خسرو جاوید، 1381). همانطور که میدانیم هوش هیجانی جنبه اکتسابی دارد و منشا اجتماعی دارد و قابل آموزش به واسطه تعامل با دیگران. فلذا در صورت ارتباط قوی بین هوش هیجانی و مولفه های آن با سازگاری زناشویی این امکان فراهم می شود با آموزش هوش هیجانی، رضایتمندی زناشویی را افزایش یابد که این خود موجبات رضایت عملکرد بهتر از سوی افراد سازمان که در این پژوهش معلمان هستند فراهم میکند.

¹ - Goldenberg

گلمن اعتقاد دارد: «هوش هیجانی» مفهوم جدیدی است، اما داده‌های موجود حکایت از آن دارند که این مفهوم می‌تواند به اندازه IQ و حتی برخی اوقات بیش از آن قدرتمند باشد. وی معتقد است: هوش تنها 20 درصد پیشرفت تحصیلی را به حساب می‌آورد و مابقی آن توسط هوش هیجانی و اجتماعی قابل توجیه است. به طور کلی، افرادی که دارای هوش هیجانی بالایی هستند، احتمال دارد که در انجام تعهدات خود، موفق‌تر باشند.

او هوش هیجانی را به عنوان یک نظریه عملکرد می‌داند. وی به تازگی آمادگی هیجانی را مطرح ساخته که منظور وی نوعی توانایی آموخته شده بر اساس هوش هیجانی فرد است که پیامد و نتیجه‌اش در عملکرد کاری فرد روشن است.

همچنین آن را نوع دیگری از هوش می‌داند که حاکی از شناخت احساسات خویش است و از آن برای تصمیم‌گیری‌های مناسب در زندگی استفاده می‌شود. هوش هیجانی، توانایی اداره مطلوب خلق و خوی و وضع روانی و کنترل تراکنشها و عاملی است که به هنگام شکست ناشی از دست نیافتن به هدف، در شخص انگیزه و امید ایجاد می‌کند. این نوع هوش، حاکی از همدلی، یعنی آگاهی یافتن از احساسهای افراد پیرامون ما، نیز هست (تهامی منفرد و همکاران، 1381). هوش هیجانی آگاهی از احساس و استفاده از آن برای تصمیم‌گیری‌های مناسب در زندگی و توانایی تحمل ضربه‌های روحی و مهار آشفستگی‌های روانی است و اعتماد به نفس و کنترل درونی افراد را افزایش می‌دهد (عیوضی، 1384). هین² (1384) هوش هیجانی عبارت است از توانایی مهار عواطف و تعادل برقرار کردن بین احساسات و منطق، به طوری که ما را به حداکثر خوشبختی برساند.

تراویس برادبری و جین گریوز (1384) هوش هیجانی همان توانایی شناخت، درک و تنظیم هیجان‌ها و استفاده از آنها در زندگی است. نیلی³ (1991) هوش هیجانی را از توانایی‌های غیرشناختی و شایستگی‌های روانی تعریف می‌کند که توانایی فرد را در مواجهه با مسائل و فشارهای محیطی، تحت تأثیر قرار می‌دهد. هوش هیجانی بر روی توانایی بر رسیدگی اثربخش هیجان‌ها تمرکز دارد. (مک انروی⁴ و همکارانش، ۲۰۰۹). مفهوم سازگاری زناشویی جایگاه برجسته‌ای را در مطالعه ارتباطات خانوادگی و زناشویی به خود اختصاص داده است (اسپانیر، 1976). سازگاری زناشویی را می‌توان به شکل فرآیندی تعریف کرد که با پیامدهای چندو چون دشواری در درک تفاوت‌های جنسی، اضطراب شخصی و بین فردی، رضایتمندی زناشویی و ... هم آیند است (اسپانیر، 1976). سازگاری زناشویی شیوه‌ای است که افراد متأهل، به‌طور فردی با یکدیگر، برای متأهل ماندن سازگار می‌شوند. سازگاری زناشویی فرآیندی است که در طی آن هر دو عضو زوج به صورت انفرادی و یا با همکاری یکدیگر الگوهای رفتاریشان را برای رسیدن به حداکثر رضایت زناشویی در رابطشان، تغییر و اصلاح می‌نمایند (بالی، دهینگرا و بارو، 2010). سازگاری زناشویی ضعیف اثر منفی بر کیفیت زندگی، تبعیت درمانی (پریمومو . همکاران، 1990) و کارکرد جنسی (هالورسن و متس، 1992) دارد. تعارضات زناشویی نیز به عنوان شاخصی در تقابل با سازگاری زناشویی با دامنه گسترده‌ای از مسائل چون افت سازگاری والدین با فرزندان (کریگ و همکاران، 1993)، افزایش احتمال طلاق و بروز افسردگی در زوجین (امری و همکاران، 1982) همراه است. از

²- Hein

³- Neely

⁴- Enrue

وجود دارد که کیفیت ارتباطات بین فردی به خصوص ارتباطات خانوادگی می توانند بر سلامت اثرگذار باشد

چنانچه پژوهش کیکلت گلاسر و نیوتن (2001) نشان داد که ازدواج های ناشاد و عدم رضایت زناشویی اثرات زیان بخشی بر سلامت عمومی دارد.

مایر و سالووی (۱۹۹۷) در پژوهشی که در زمینه بررسی رابطه بین رضایت زناشویی و معیارهای هوش هیجانی انجام دادند، نتیجه گرفتند که زوج های خرسند در مقایسه با زوج هایی که روابط زناشویی و عاطفی خوبی با هم ندارند، احساس همدلی بیشتری نسبت به هم نشان می دهند و نسبت به احساسات یکدیگر حساسیت بیشتری به خرج می دهند. اسکات و مالوف (۱۹۹۸) نیز در پژوهشی که بر روی نمونه ای از همسران انجام دادند، دریافتند افراد با نمره بالای هوش هیجانی و نیز افرادی که به همسران خود نمره هوش هیجانی بالایی داده بودند، به نحو معنی داری رضایت زناشویی بالاتری داشتند.

روش شناسی تحقیق

با توجه به اینکه تحقیق حاضر قصد دارد به تعیین رابطه یا همبستگی بین دو متغیر هوش هیجانی و رضایت زناشویی بپردازد روش تحقیق توصیفی از نوع همبستگی است.

ابزار پژوهش

1) پرسشنامه هوش هیجانی

آزمون هوش هیجانی مورد استفاده در این تحقیق توسط برادبری و گریوز (2005) ساخته شده است و توسط گنجی (1384) ترجمه و ویراستاری گردید .این آزمون شامل 28 ماده است که بر اساس مقیاس 6 درجه ای لیکرت نمره گذاری میشود . سوالات 1الی 6 مربوط به مؤلفه خود آگاهی ، سوالات 7-15 مربوط به مؤلفه خود مدیریت، سوالات 16-20 مربوط به مؤلفه آگاهی - اجتماعی و سوالات 21-28 مربوط به مدیریت روابط است. نمره دهی ان به این شکل است که برای سوالات 6-14-15 و 20 و 28 همانند جدول شماره (1-3) و برای بقیه سوالات نمره 1 الی 6 به ترتیب برای خانه هرگز، به ندرت، گاهی، معمولا، تقریبا همیشه و همیشه منظور می گردد. پس از بدست آوردن نمره هر مهارت برای هر فرد، نمره تراز شده از جدول برادبری، گریوز (1384) استخراج و از جمع آنها نمره کل مهارتها بدست آمده و در انتها نمره کلی تراز شده هوش هیجانی از آن استخراج می شود. نمره بالاتر از 80 نشان دهنده هوش هیجانی بالا و نمره پایین تر از 60 نشان دهنده هوش هیجانی پایین است. در بررسی گنجی (1384) ضرایب اعتبار مولفه های هوش هیجانی به ترتیب برابر با 0/73، 0/78، 0/76 و 0/76 بود. در پژوهش حاضر برای کل پرسشنامه ضریب پایایی برابر با 0/79 بدست آمده است.

2) پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ ENRICH

July 2018

The 5th International Conference on Psychology, Education and Lifestyle

پرسشنامه

رضایت

زناشویی انریچ که فرم 47سؤالی آن توسط اولسون(1998)، تهیه شد. این ابزار به صورت پنج گزینه ای (که در اصل یک نگرش سنج از نوع لیکرت است) در نظر گرفته شده است (کاملا موافق ، موافق ، نه موافق و نه مخالف ، مخالف ، کاملاً مخالف) ، که به هریک از یک تا پنج امتیاز داده می شود. در کشور ما اولین بار سلیمانیان (1373)، همبستگی درونی آزمون را

93. محاسبه و گزارش کرده است. در این مقیاس تجزیه و تحلیل براساس نمرات خام انجام می گیرد و نمره بالا نشان دهنده رضایت بالاتر است. در پژوهش حاضر برای پرسشنامه فوق ضریب پایایی برابر با 0/86 بدست آمده است.

جامعه آماری، روش نمونه گیری و حجم نمونه

جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه معلمان ابتدایی شهرستان فریدونکنار می باشد. تعداد 80(40 زن و 40 مرد) نفر به عنوان حجم نمونه مشخص و به شیوه ای تصادفی انتخاب و پرسشنامه های مربوط به آنها داده و جمع آوری شد.

یافته ها

برای تحلیل تفاوت متغیرها با توجه به جنسیت از آزمون T گروههای مستقل استفاده شده است که نتایج آن در جدول شماره 1 آمده است. همانگونه که مشاهده می شود در نمونه مورد پژوهش میانگین هوش هیجانی مردان(101/43) و زنان(107/20) بوده که این اختلاف میانگین در سطح 0/05 معنی دار است. در مورد متغیر رضایت زناشویی میانگین مردان (105/63) و زنان (103/02) است که این تفاوت میانگین ها در سطح 0/05 معنی دار نمی باشد.

جدول شماره 1 آزمون T گروههای مستقل برای متغیرهای هوش هیجانی و رضایت زناشویی

متغیرهای	مردان M(SD)	زنان M(SD)	T گروه مستقل	معنی داری
هوش هیجانی	101/43 (11/80)	107/20 (13/50)	-2/03	P<0/05
رضایت زناشویی	105/63 (13/03)	103/02 (15/19)	0/83	P >0/05

همچنین نتایج همبستگی رضایت زناشویی و هوش هیجانی معلمان نشان می دهد که ضریب همبستگی بین این دو متغیر 0/39 و در سطح 0/01 معنی دار است.

جدول شماره 2 ضریب همبستگی متغیرها

رضایت زناشویی	متغیرها
---	رضایت زناشویی
**0/39	هوش هیجانی

**در سطح یک درصد

بحث و نتیجه گیری

همان طور که مشخص شد در مطالعه حاضر، معلمین زن هوش هیجانی بالاتری نسبت به مردان داشتند که این تفاوت معنی دار گزارش شد. این یافته با نتایج سالکوفسک⁵ و همکاران (2007)؛ محمدخانی و همکاران (1387) همخوانی دارد. همچنین مشخص شد معلمین مرد بیشتر از زنان احساس رضایت زناشویی دارند اما این تفاوت معنی دار نبوده است. تحقیقاتی که رحمانی و همکاران (1390) در رابطه با رضایت زناشویی در تهران انجام دارند در مورد رابطه جنسیت و میزان رضایت زناشویی به همان نتیجه در تحقیق حاضر رسیدند، یعنی نتیجه تحقیقاتی آن ها هم نشان داده است که تفاوت معناداری بین جنسیت زن و مرد بودن و میزان رضایت زناشویی وجود ندارد. همچنین نتیجه دیگر این پژوهش نشان داد که بین رضایت زناشویی و هوش هیجانی رابطه مستقیم وجود دارد. این نتیجه با نتایج تحقیقی اسکات و مالوف (۱۹۹۸) که دریافتند افراد با نمره بالای هوش هیجانی و نیز افرادی که به همسران خود نمره هوش هیجانی بالایی داده بودند، به نحو معنی داری رضایت زناشویی بالاتری داشتند همخوانی دارد. در نهایت با توجه به تحقیق حاضر میتوان نتیجه گرفت که با آموزش و رشد هوش هیجانی شرایط رضایت هر چه بیشتر زناشویی را فراهم کرد.

منابع

- برادبری، تراویس، گریوز، جین (1384) هوش هیجانی (مهارت ها و آزمون ها). ترجمه مهدی گنجی تهران: ساوالان.
- تهامی منفرد، شراره، علیایی زند، شهین، یوسفی لویه، مجید (1381). بررسی رابطه هوش هیجانی و راهبردهای رویارویی در دانش آموزان عادی و تیزهوش دبیرستان های شهر تهران. اولین همایش ملی استعدادهای درخشان، شیراز.
- رحمانی، اعظم، موقاتی خوبی، عفت السادات، صادقی، نرجس و البه قلی، لیلا (1390). ارتباط رضایت جنسی و رضایت از زندگی زناشویی. مجله مرکز تحقیقات مراقبت های پرستاری دانشگاه علوم پزشکی تهران، 24(70)، صص 82-90.
- خسرو جاوید، مهناز (1381). بررسی اعتبار و روایی سازه مقیاس هوش هیجانی شوت در نوجوانان، پایان کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- سلیمانیان، علی اکبر (1373). بررسی تاثیر تفکرات غیر منطقی بر اساس رویکرد شناختی بر نارضایتی زناشویی. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره دانشگاه تربیت معلم.
- عیوضی، نرگس (1384). تأثیر هوش هیجانی در بهداشت روانی خانواده ها، مجله درمانگر، شماره 5

July 2018

گلدنبرگ، ایرنه و
گلدنبرگ،**The 5th International Conference on Psychology, Education and Lifestyle**

هربرت.(1396). خانواده درمانی. ترجمه حمید رضا حسین شاهی براوتی ، سیامک نقشبندی و الهام ارجمند.
تهران : انتشارات نشر روان.

مهمانیان خامنه، مهروی؛ برجعلی، احمد و سلیم یزاده، محمدکاظم (1385). بررسی رابطه هوش هیجانی و رضایت زناشویی. مجله روانشناسی
سال دهم. شماره 3

محمدخانی، شهران، باش قره، رقیه(1387). رابطه هوش هیجانی و سبک های مقابله ای با سلامت عمومی دانشجویان. پژوهش در سلامت
روانشناختی: بهار 1387، دوره 2، شماره 1؛ از صص 37-47.

هین، استیو (1385). هوش هیجانی برای همه، ترجمه رویاکوچک انتظار و مزگان موسوی شوشتری، ص 11.

Bali, A., Dhingra, R., & Baru, A. (2010). Marital adjustment of childless couples. *Journal of Social Science*,
24(1), 73-76.

Greenhouse, J. (1988). The interaction work and family roles: Individual, inter personal and organization issue.
Work and family: Theory research and application, 23-44.

Halvorsen, J.G., & Metz, M.E. (1992). Sexual dysfunction. II. Diagnosis, management, and prognosis. *Journal of
merican Board of Family Practice*, 5, 177-192.

Kerig, P., Cowan, P., & Cowan. C. (1993). Marital quality and gender differences in parent- child
interaction. *Journal of developmental Psychology*, 29, 931-939.

Kiecolt-Glaser, J. K., & Newton, T. L. (2001). Marriage and health: His and hers. *Psychological Bulletin*, 127,
472-503.

Spanier, G., Cole, C. (1976). Toward clarification and investigation of marital adjustment. *International Journal
Of Sociology Of The Family*, 6, 121-146.

Saklofske DH, Austin EJ, Galloway J, Davidson K.(2007). Individual difference correlates of health-related
behaviors: Preliminary evidence for links between emotional intelligence and coping. *Personality and Individual
Differences*. 42, 491-502.

Primomo, J., Yates, B.C., & Woods, N.F. (1990). Social support for women during chronic illness: The
relationship among sources and types of adjustment. *Research Nursing and Health*, 13, 153-161.

Mcenrue Mary Pat, Groves S. Kevin, Shen Winny,(2009), Emotional Intelligence Development: Leveraging
Individual Characteristics, *Jornal Of Management Development*, Vol. 28 No.2, Pp 150-174

Mayer, J, D: Salovey, P, (1997). What is emotional intelligence? In P.Salovey and D.Sluyter (Eds.) emotional
development and emotional intelligence: Implicationc for educators. (pp, 3-31). New York Basi.

Neely, J. H. (1991). Semantic priming effects in visual word recognition: A selective review of current findings
and theories. In D. Besner, & G. W. Humphreys (Eds.), *Basic processes in reading* (pp. 264-336). Hillsdale,
NJ: Lawrence Erlbaum Associates.